



((مقایسه انقلاب سفید محمد رضا شاه پهلوی با تحولات عربستان)).

با انتخاب محمد بن سلمان به ولیعهدی، انقلاب سفید عربستان نیز عملاً کلید خورد، به زودی به انقلاب اسلامی_عربی عربستان هم خواهیم رسید...
با مطالعه تحولات سیاسی و اجتماعی کشورها متوجه این حقیقت میشویم که حوادث و اتفاقات جوامع بشری چقدر شبیه هم هستند. (چه اروپا باشد و یا خاورمیانه و یا هر جای دیگر).
در واقع مسیر و مقصد نهائی همه جوامع همچون خود اروپا مشخص هست به ترتیب اول حکومت های پادشاهی و دیکتاتوری بعد حکومت های مذهبی و حاکمیت کلیسا و بعد هم نهایتاً مردم سالاری و

لیبرال دموکراسی. فقط بنا به شرایط زیست محیطی و سطح آگاهی و آموزش های درست زندگی و از طرفی میزان آن زنجیرهای قوی که چگونه و در چه سطحی انسانها را در جوامع مختلف به حصار کشیده اند باعث میشود تعدادی از جوامع زودتر و تعدادی هم دیرتر به مردم سالاری و حکومت دموکراتیک برسند با این حال مقصد مشخص هست همان چیزی که فوکویاما آن را پایان تاریخ نام گذاری کرده است. (به زبان ساده یعنی همه مکاتب و ایدئولوژی ها به نفع لیبرال دموکراسی از بین خواهند رفت)...
پس با این توصیف در واقع مقصد مشخص است فقط تاکتیک ها و روش ها باهم فرق میکنند و بنا به فرهنگ و سنن و ریشه دار بودن مذهب و رشد آگاهی و کسب تجربیات و غیره این روند حاکمیت دین و دیکتاتوری و پایان تاریخ را در جوامع جهان سوم به عقب انداخته است. قطعاً با برنامه های اصلاحی که محمد بن سلمان در حوزه های اقتصادی و سیاسی شروع کرده و تلاشی که برای فاصله گرفتن از اقتصاد وابسته به نفت تا سال 2030 میلادی در نظر گرفته برخلاف میل خود ایشان مسلماً در سال های آینده از طرف شاهزاده های که با رانتهای سخاوتمندانه آل سعود در غرب تحصیل کرده اند صداهای متفاوتی نیز شنیده خواهد شد. چرا که این ذات پیشرفت و فاصله گرفتن از اقتصاد تک محصولی و دولتی هست که به فضای باز سیاسی منتج خواهد شد.

به عبارتی مثل همیشه دموکراسی از درون اقتصاد آزاد و لیبرالیستی بیرون خواهد زد. به عبارتی هر چقدر قدرت بخش خصوصی در اقتصاد بیشتر میشود جوامع هم بیشتر به سمت آزادیهای سیاسی و اجتماعی سوق پیدا میکنند.

... درسته که پیشرفت و توسعه یافتگی چیز بسیار خوبی هست ولی باید در نظر داشته باشیم که پیشرفت و خصوصی سازی اقتصاد عواقب خودش را هم دارد. در یک جامعه توسعه یافته با اقتصاد باز دیگر دیکتاتوری و پادشاهی معنا و مفهومی نخواهد داشت. محمد رضا شاه پهلوی هم خواست دست به اصلاحات گسترده اجتماعی و اقتصادی بزند ولی همه آن پتانسیل های سیاسی خفته که سالها منتظر خودنمایی بودند فرصت طلایی را برای شریک شدن در قدرت به دست آوردند و نهایتاً به کمتر از سرنگونی پادشاهی رضایت ندادند...

شاید خود محمد بن سلمان مثل محمد رضا شاه پهلوی تحصیل کرده غرب نیست و لیسانس حقوق از دانشگاه ریاض گرفته ولی چنانچه گفته شد اکثر شاهزاده های آل سعود تحصیل کرده جوامع غربی هستند لذا با مطرح شدن فضای باز اقتصادی و خصوصی سازی و غیره مثل واگذاری بخشی از سهام آرامکو (شرکت نفت عربستان) به بخش خصوصی قطعاً فضای باز سیاسی و اجتماعی را دنبال خواهند کرد و تحولات اجتماعی سیاسی جامعه بسته عربستان را شدیداً به جلو خواهند انداخت... با این وضع شاید بتوان پیش بینی کرد تا همان سال 2030 انقلاب اسلامی عربی عربستان هم اتفاق خواهد افتاد. البته امیدواریم به جای جمهوری اسلامی عربی فقط ((جمهوری عربستان)) داشته باشیم تا مردم عربستان هم دچار زحمت مجدد نشوند. چون اولاً دموکراسی و مردم سالاری ناگزیر است و بلاخره اتفاق خواهد افتاد و ثانیاً دموکراسی واقعی مطلقاً رنگ و بو نمی پذیرد. دموکراسی دموکراسی است نه یک کلمه بیشتر و نه یک کلمه کمتر.
((دکتر عبدالملهی))